مجله کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
شماره ۵۳ و۵۴ بهار و تابستان ۱۴۰۴

کنترل عوامل جرم زا در محیط خانواده

نسیم صغیری[۱]

چکیده

خانواده به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری افراد ایفا می‌کند. بخش قابل توجهی از مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهای بزهکارانه کودکان و نوجوانان، پیش از آن‌که محصول نهادهای رسمی کنترل اجتماعی باشند، ریشه در ساختار، کارکرد و روابط حاکم بر محیط خانواده دارند. ضعف نظارت والدین، اختلال در ارتباطات عاطفی، فقدان حمایت روانی و اجتماعی، الگوهای تربیتی نادرست و بی‌ثباتی ساختاری خانواده، از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز بروز رفتارهای جرم‌زا شوند.

هدف این مقاله، تحلیل نقش خانواده در کنترل عوامل جرم‌زا و تبیین سازوکارهای پیشگیری اجتماعی از بزهکاری در این محیط است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و در آن، نظریه‌های مهم جرم‌شناسی از جمله نظریه کنترل اجتماعی، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه فرصت ارتکاب جرم، در کنار یافته‌های پژوهشی داخلی و خارجی و دیدگاه‌های جرم‌شناسی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خانواده، واجد نقشی دوگانه در فرآیند بزهکاری است؛ بدین معنا که می‌تواند هم به‌عنوان عامل بازدارنده و هم به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده ارتکاب جرم عمل کند. تقویت کنترل‌های غیررسمی، ارتقای مهارت‌های والدگری، آموزش تربیت اخلاقی و مداخلات خانواده‌محور، از مهم‌ترین راهکارهای کاهش بزهکاری در سطح خانواده به شمار می‌روند. نتایج این مطالعه بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران اجتماعی و نهادهای آموزشی به خانواده به‌عنوان محور اصلی پیشگیری اجتماعی از جرم تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: خانواده، پیشگیری اجتماعی، بزهکاری، عوامل جرم‌زا، کنترل اجتماعی.

---

۱. وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی،تهران،دانشگاه تهران، ایران، تهران. Nsaghiri1398@gmail.com

۱- مقدمه

جرم و بزهکاری، به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان، از جمله مسائل پیچیده و چندبعدی جوامع معاصر به شمار می‌رود. تحولات سریع اجتماعی، گسترش شهرنشینی، تغییر ساختار خانواده، رشد فناوری‌های ارتباطی و تضعیف برخی هنجارهای سنتی، موجب شده است که الگوهای رفتار مجرمانه نیز دستخوش تغییر شوند. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر نهادهای رسمی‌کنترل اجتماعی مانند پلیس، دادگاه و نظام کیفری، دیگر پاسخ‌گوی نیازهای پیشگیرانه جامعه نیست و ضرورت توجه به نهادهای غیررسمی، به‌ویژه خانواده، بیش از پیش احساس می‌شود.

خانواده نخستین محیطی است که فرد در آن متولد می‌شود، رشد می‌یابد و فرآیند جامعه‌پذیری را تجربه می‌کند. در این محیط، ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و شیوه‌های مواجهه با تعارضات اجتماعی به فرد منتقل می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که کیفیت روابط خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری و میزان نظارت والدین، تأثیر مستقیمی‌بر احتمال گرایش کودکان و نوجوانان به رفتارهای انحرافی و مجرمانه دارد.

اگرچه عوامل اقتصادی، فرهنگی و ساختاری نقش مهمی‌در شکل‌گیری بزهکاری ایفا می‌کنند، اما خانواده همچنان به‌عنوان هسته اصلی کنترل اجتماعی غیررسمی، جایگاهی بی‌بدیل در پیشگیری از جرم دارد. خانواده‌ای که از انسجام، ثبات و حمایت عاطفی برخوردار است، می‌تواند از بروز بسیاری از رفتارهای جرم‌زا جلوگیری کند؛ در مقابل، خانواده‌های نابسامان، پرتنش یا فاقد کارکردهای تربیتی، نه‌تنها نقش بازدارنده ندارند، بلکه گاه خود به عاملی برای تشدید بزهکاری تبدیل می‌شوند.

با توجه به این واقعیت، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که خانواده از چه طریق و با چه سازوکارهایی می‌تواند در کنترل عوامل جرم‌زا و پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان نقش مؤثر ایفا کند؟ در پاسخ به این مسئله، مقاله حاضر تلاش می‌کند با رویکردی تحلیلی، نقش خانواده را در چارچوب نظریه‌های جرم‌شناسی و دیدگاه‌های اسلامی‌بررسی کرده و راهکارهای مؤثر پیشگیری اجتماعی را تبیین نماید.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲- ۱- فرصت ارتکاب جرم : یکی از نظریاتی که در چند دهه اخیر، در حوزه جرم شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت ارتکاب جرم[1] میباشد. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که صرف وجود بزهکار، وقوع بزه را ایجاب نمیکند، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد (دهقان، : ۱۳۹۷ ۲۰-۱۹). شفت[2] رویکردهای پیشگیری از جرم را به سه روش تقسیم کرده است: استفاده از سیستم عدالت کیفری (پلیس، دادگاه، زندان‌ها و. . .) برای بازداشتن مردم از ارتکاب جرم، کاهش فرصتهای وقوع جرم (پیشگیری وضعی) که معمولاً با اصلاح امنیت اجتماعی و محیطی آغاز میشود و کاهش انگیزه ارتکاب جرم (پیشگیری اجتماعی) (شفت: ۲۰۰۲: ۲۷).

۲- ۲- کنترل‌های جرم‌زا[3]: به اقدامات، سیاست‌ها، و فرآیندهایی گفته می‌شود که به منظور پیشگیری از جرم‌زایی، کاهش ارتکاب جرایم، تشخیص و مجازات افراد مرتکب جرم‌ها اتخاذ می‌شوند. این کنترل‌ها برای تأمین امنیت اجتماعی و کاهش میزان جرم‌زایی در جامعه بسیار حیاتی می‌باشند. تعریف کنترل‌های جرم‌زا می‌تواند به صورت گسترده‌تر یا محدودتر صورت گیرد، اما در کل مفهوم آن شامل تمامی‌اقدامات و سیاست‌ها است که به منظور کنترل و پیشگیری از جرم‌زایی و ارتکاب جرایم انجام می‌شود. این اقدامات ممکن است شامل اصول و ارزش‌های اجتماعی، قوانین و مقررات، نظارت و پایش، آموزش و توجیهات، و تدابیر اجرایی دیگری باشد.

۳- سیر زمانی تاریخچه مفهوم کنترل عوامل جرم‌زا در محیط خانواده:

۱- ابتدایی‌ترین مفاهیم: در طی قرون، مفاهیم مختلفی درباره کنترل عوامل جرم‌زا در محیط خانواده وجود داشته است، از جمله مفاهیم مربوط به تربیت فردی و ارزش‌های اجتماعی.

۲- پدیدار شدن نظریات اجتماعی: در قرن بیستم، نظریات اجتماعی مختلفی ارائه شد که به بررسی نقش خانواده در کنترل عوامل جرم‌زا می‌پرداختند، از جمله نظریه کنترل اجتماعی و نظریه توانمندی اجتماعی.

در حوزهٔ جرم‌شناسی، چندین نظریه کنترل مختلف وجود دارد که به تبیین علل و عوامل موجودیت جرم و تحلیل روابط اجتماعی و اقتصادی مرتبط با جرم می‌پردازند.

---

1. Crime Opportunity Theory
2. Shaftoe
3. Crime Controls

۳- پژوهش‌های تحقیقاتی: از دهه‌های اخیر، پژوهش‌های بیشتری در زمینه کنترل عوامل جرم‌زا در محیط خانواده انجام شده است که به توسعه دیدگاه‌ها و مدل‌های مختلف این حوزه کمک کرده‌اند.

۴- توسعه رویکردها و مدل‌ها: با پیشرفت تحقیقات در زمینه جرم شناسی و خانواده، رویکردها و مدل‌های مختلفی برای کنترل عوامل جرم‌زا در محیط خانواده ارائه شده است، از جمله مدل‌های توانمندی خانواده و مدل‌های پیشگیری از جرم در خانواده. که در زیر به چند مورد اشاره می‌شود

۵- رویکردهای فعالیت عملیاتی: در حال حاضر، بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های عملیاتی برای کنترل عوامل جرم‌زا در محیط خانواده به کار گرفته می‌شوند که براساس تحقیقات علمی‌و مدل‌های نظری ساخته شده‌اند.

۴- عوامل جرم‌زا در خانواده

این عوامل می‌توانند از جنبه‌های مختلفی ناشی شوند و تأثیرگذاری آنها بر رفتار نوجوانان قابل توجه است. برخی از این عوامل عبارتند از: نقص در نظارت والدین: کمبود نظارت و کنترل والدین بر فعالیت‌ها و رفتارهای نوجوانان می‌تواند باعث افزایش خطرات رفتاری مانند مصرف مواد مخدر، خرابکاری، و حتی جرم‌آمیز شود. نقص در ارتباطات خانوادگی: ارتباطات ناسالم یا ناپایدار در خانواده، از جمله خشونت خانوادگی یا تعارضات مداوم، می‌توانند باعث افزایش احساس عدم اعتماد و انزوا در نوجوانان شده و آن‌ها را به رفتارهای مخرب و جرم‌آمیز سوق دهند. نقص در حمایت خانوادگی: حمایت ناکافی از سوی والدین، به ویژه در زمینه‌هایی مانند حل اختلاف، تأمین نیازهای اساسی، و ایجاد انگیزه برای تحصیل، می‌تواند باعث افزایش رفتارهای جرم‌آمیز نوجوانان شود. مداخله‌های خانواده در جرم: مواردی که خانواده به طور مستقیم در جرم و جنایت مشارکت داشته باشند، می‌تواند رفتارهای ناقض قوانین را به نوجوانان یاد بدهد و آن‌ها را به راهی خلاف قانون کشاند. محیط خانوادگی ناسالم: فراهم نکردن یک محیط آرام و پایدار در خانواده، از جمله عوامل مانند مشکلات مالی، مصرف مواد مخدر توسط والدین، یا حضور خشونت در خانواده، می‌تواند موجب افزایش رفتارهای جرم‌آمیز در نوجوانان شود. این عوامل می‌توانند در کنار یکدیگر یا به صورت جداگانه، تأثیر مخربی بر رفتارهای نوجوانان داشته باشند و نقش مهمی‌در شکل‌دهی به شخصیت و رفتار آنان ایفا کنند. (باقری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱)

۵- راهکارهای تقویت کنترل‌های جرم‌زا و پیشگیری از جرم‌زایی در خانواده

جرم‌زایی و رفتارهای غیرقانونی در خانواده می‌تواند تأثیرات عمیقی بر افراد و جامعه داشته باشد. در ادامه، به بررسی برخی از راهکارهای موثر برای تقویت کنترل‌های جرم‌زا و پیشگیری از جرم‌زایی در خانواده می‌پردازیم:

۱- توجه به تربیت اخلاقی: تربیت اخلاقی از جمله اصولی است که می‌تواند به کنترل جرم‌زایی در خانواده کمک کند. افراد خانواده باید به تربیت اخلاقی فرزندان خود توجه کنند و ارزش‌های اخلاقی مانند احترام، صداقت، و عدالت را به آن‌ها آموزش دهند.

۲- ارتقاء ارتباطات خانوادگی: ارتباطات سالم و قوی بین اعضای خانواده می‌تواند به کنترل جرم‌زایی کمک کند. ایجاد فضایی با احترام متقابل، پشتیبانی و تبادل اطلاعات میان اعضای خانواده، می‌تواند به افزایش اعتماد و کاهش تنش‌ها در خانواده منجر شود.

۳- تحقیقات پژوهشی و آموزش: انجام تحقیقات پژوهشی در زمینه کنترل جرم‌زایی و پیشگیری از جرم‌زایی در خانواده، می‌تواند به شناخت عمیق‌تر از عوامل مؤثر و راهکارهای موثر کمک کند. همچنین، ارائه آموزش‌های مستمر به والدین و اعضای خانواده در خصوص روش‌های موثر کنترل جرم‌زایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ۴- ارتقاء مهارت‌های حل اختلاف: یادگیری مهارت‌های حل اختلاف و مدیریت کنفلیکت می‌تواند به پیشگیری از وقوع خشونت و جرم‌زایی در خانواده کمک کند. افراد خانواده باید به یادگیری روش‌های سازنده برای حل اختلاف‌ها و ایجاد روابط سالم تر با یکدیگر توجه کنند. با اجرای این راهکارها و توجه به اصول علمی، می‌توان کنترل‌های جرم‌زا در خانواده را تقویت کرده و از وقوع جرم‌زایی جلوگیری نمود. این اقدامات نه تنها به تقویت ارتباطات خانوادگی و ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه به حفظ امنیت و آرامش خانواده و جامعه نیز کمک می‌کنند.

۶- نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان

خانواده ازجمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. کودک به‌موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلقیات خانواده خود را کسب می‌کند و آن‌ها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

وظیفه خانواده است که فرزندان خود را برای یک زندگی مستقل و سالم در آینده و در جامعه آماده کند به‌طوری‌که فرزندان علاوه بر اینکه بتوانند در مواجهه با هر برخوردی از سوی اعضای جامعه و هر

مشکلی که بر سر راه او قرار می‌گیرد با توانمندی تدبیر کرده و راه موفقیت و پیشرفت خود را باز کنند و به راه‌های منحرفانه و خلاف‌کارانه هم به هر دلیلی چه به خاطر کمبودهای اقتصادی و چه مسائل عاطفی کشیده نشوند؛ اما در این مورد نباید تمام تکالیف تربیتی فرزندان را بر عهده خانواده گذاشت و با این کار برای جامعه به‌طور اعم، مسئولین و نهادهای مختلف به‌ویژه نهاد تأثیرگذار مدرسه به‌طور اخص هیچ‌گونه وظیفه‌ای متصور نشد و بدون کمک و مساعدت به خانواده، از خانواده انتظار تحویل دادن فرزندی با خصوصیات عالی داشت؛ بنابراین باید رابطه خانواده با مدرسه و اولیای مدرسه احیاء شده و در مدرسه به نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اهمیت بیشتری داده شود و دارای ضمانت اجرایی باشد تا کودکان درصدد جلب رضایت و خشنودی خانواده از رفتار خود شوند و همچنین کودکان و نوجوانان در صورت جلب رضایت خانواده به خاطر رفتارهای خوب خود در خانه، در مدرسه نیز مورد تشویق قرار گیرند تا به این صورت کودکان از همان سنین اولیه به اهمیت جلب نظر خانواده و احترام و حرمتی که جامعه برای خانواده قائل است واقف شوند تا سعی در جلب نظر خانواده در رفتارهای خود نمایند. از طرف دیگر خانواده‌ها هم باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی‌در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند که می‌توان این وظیفه را بر عهده مدرسه گذاشت که با الزامی‌کردن حضور والدین در مدرسه و همکاری خانواده‌ها با اولیاء مدارس و با دعوت از متخصصین علوم تربیتی ازجمله روانشناسان و دعوت از کارشناسان کانون اصلاح و تربیت جهت توجیه کردن و آگاه‌سازی خانواده‌ها از خطرات در کمین فرزندان آن‌ها و همچنین دعوت از والدین بچه‌های موفق و. . . خانواده‌ها را در جهت تربیت صحیح فرزندان دارای علم و آگاهی ضابطه‌مند سازد. واضح است که دولت باید در این راه با تدارک ابزارهای انجام این طرح و فراهم کردن امکانات لازم به‌خصوص با تأمین نیازهای مالی مدرسه و تدوین مقررات و برنامه‌های دقیقی در این راه خانواده و نظام آموزش‌وپرورش را یاری نمایند (پرویزی، ۱۳۸۰: ۸۹).

۷- نقش خانواده در جرم‌شناسی و کنترل جرم‌زایی

خانواده به عنوان یکی از اولین محیط‌های اجتماعی و تربیتی افراد، نقش حیاتی در جرم‌شناسی و کنترل جرم‌زایی دارد. تربیت، ارتباطات خانوادگی و مدیریت خشونت در خانواده از جمله عوامل اساسی در این زمینه محسوب می‌شوند.

تربیت: تربیت و تعلیماتی که والدین به فرزندان خود می‌دهند، تـأثیر بسـزایی در شـکل‌گیری رفتارهـا و ارزش‌های آنها دارد. ارائه اصول اخلاقی و قوانین اجتماعی بـه فرزنـدان مـی‌توانـد بـه پیشـگیری از جرم‌زایی کمک کند.

ارتباطات خانوادگی: ارتباطات سالم و قوی بین اعضای خانواده می‌تواند به کنترل جرم‌زایی کمک کند. ایجاد فضایی با احترام متقابل و پشتیبانی میان اعضای خانواده، می‌تواند به افزایش اعتماد و کـاهش تنش‌ها منجر شود.

مدیریت خشونت در خانواده: مدیریت و کنترل خشونت در خانواده از جمله عوامل مؤثر در جلـوگیری از جرم‌زایی است. خشونت و تنش‌های خانوادگی می‌توانند به افزایش احتمال ارتکـاب جـرایم توسـط افراد خانواده منجر شوند، بنابراین مدیریت صحیح آنها ضروری است.

با توجه به اهمیت این عوامل، اجرای اقدامات مناسب در خانواده می‌تواند بـه حفـظ امنیـت و آرامـش در جامعه کمک کند و نقش مهمی‌در کنترل جرم‌زایی ایفا نماید.

۸- نقش دوگانه خانواده در پیشگیری از بزهکاری و راه‌کارهای مناسب بـرای مقابلـه بـا آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در خانواده

محیط خانواده، محیطی است که طفل در آن متولد شده، نشو و نما نموده و اعمال، رفتار و عادائش بدون شک تحت تأثیر این محیط بوده و در حقیقت رفتارها، تقلیدها یا عکس‌العمل‌هایی است که او در مقابل این اجتمـاع کوچـک و اشخاصی که با آن‌ها زندگی می‌کند، نشان می‌دهد. وضعیت و ثبات این محیط پیوسته در تشکیل شخصیت، اخلاق و عواطف او اهمیت اساسی دارد (غفوری قراوی، ۱۳۶۱: ۱۰۳).

برنامه‌های خانواده‌مدار زیادی به‌منظور پیشگیری زودهنگام از بزهکاری کودکان و نوجوانان طراحی‌شده و به عناوین و نام‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده است. کاریو معتقـد اسـت کـه مـؤثرترین ایـن برنامـه‌ها عبارت‌اند از: ۱. ملاقات‌های خانگی وقتی طفل در سن پایین است ۲. برنامه‌های تربیتی در مرحلهٔ آمادگی (پیش از مدرسه) ۳. آموزش والدین (Zhan, 2004, 25).

در همین ارتباط سازمان ملی پیشگیری از جرم کانادا این برنامه‌ها را به سه دسته تقسـیم‌بندی کـرده است. از دیدگاه این سازمان، «این برنامه‌ها معمولاً به سه شکل؛ برنامه‌های مبتنـی بـر آمـوزش والـدین، برنامه حمایت از خانواده‌های مشـکل‌دار یـا خانواده‌درمـانی، برنامـه‌هایی بـا رویکـرد جـامع و هماهنـگ، پیش‌بینی‌شده است.» درهرصورت انتخاب هر یـک از برنامـه‌های معرفی‌شـده بـه‌منظور مداخلـه جهـت

پیشگیری، براساس معیارهایی به این شرح‌اند: این برنامه‌ها باید مبتنی بر اساس خانواده باشد؛ عوامل خطر مرتبط با خانواده را مشخص کند؛ کودکان و نوجوانان مورد هدف در این برنامه‌ها باید به‌عنوان اشخاصی در نظر گرفته شوند که در معرض بزهکاری هستند؛ نتایج این برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که بعد از ارزیابی، درواقع، کاهش عوامل خطر را به‌علت به‌کارگیری عوامل حمایتی تصدیق کند. ذیلاً به توضیح و تبیین هر یک از این برنامه‌ها خواهیم پرداخت.

الف- برنامه مبتنی بر آموزش والدین: پدر و مادر از نقش بسیار مهم و والایی در زندگی کودک برخوردار می‌باشند؛ والدین و فرزند، کنش متقابلی بر یکدیگر دارند اما گاه مواردی دیده می‌شود که والدین فاقد مهارت‌های تربیتی می‌باشند و نمی‌توانند شیوه‌های صحیح تربیتی را به‌کارگیرند؛ به‌نحوی‌که در اثر سهل‌انگاری، کودک را به سمت‌وسوی بزهکاری سوق می‌دهند (ژان، ۲۰۰۴، ۷۳).

این طیف از برنامه‌ها در حقیقت به‌منظور آموزش والدین در مورد چگونگی استفادهٔ مناسب از تکنیک‌های تأدیب و تربیت، نظارت و کنترل و این‌که چگونه می‌توان محدودیت‌های مفید و استواری را در مورد کودکان و نوجوانانی که تمایل به قانون‌شکنی دارند به کاربرد، است. این برنامه‌ها معمولاً از رویکرد سازمان‌یافته‌ای بهره برده و عمدتاً به‌منظور بهبود روابط خانوادگی و کمک به پدر و مادر در استفاده از تکنیک‌های مناسب تربیت و پرورش کودکان است (خدایاری فرد و پرند، ۱۳۸۵).

ب- ملاقات‌های خانگی: یکی از برنامه‌های مهم خانواده‌مدار به‌منظور پیشگیری، برنامهٔ ملاقات‌های خانگی است. هدف اصلی برنامه ملاقات‌های خانگی، آموزش والدین به‌منظور بهبود زندگی کودکان از سنین بسیار پایین که معمولاً از بدو تولد و گاهی اوقات در سه‌ماهه پایان بارداری شروع می‌شود. به‌علاوه جلوگیری از زایمان قبل از موعد و ممانعت از به دنیا آمدن نوزاد با وزن کم، ارتقاء سلامت و رشد کودک و آماده کردن وی برای مدرسه و ممانعت از سوءاستفاده و غفلت از کودک، از اهداف دیگر این برنامه است. بازرسین خانواده، معمولاً پرستاران و یا سایر کارشناسان بهداشت و سلامت با زمینه‌های تخصصی گوناگون در حوزهٔ خانواده می‌باشند. نمونهٔ موفق برنامه‌های ملاقات خانگی برنامه المیرا است (کاریو، ۲۰۰۳، ۱۱۵).

برنامه "المیرا" از سال ۱۹۷۰ به بعد در ایالت نیویورک آمریکا به اجرا درآمد. این برنامه یک برنامه مبتنی بر ملاقات‌های خانگی در ارتباط با خانواده‌های نیازمند به اقدامات ویژه، بود. این برنامه بر روی خانواده‌های فقیر و مادرانی که برای اولین بار بود حامله می‌شدند، تمرکز می‌کرد. از ابتدای حاملگی مادر شروع می‌شد و تا هنگامی‌که کودک به سن دوسالگی می‌رسید ادامه می‌یافت. این برنامه به‌وسیله

پرستارانی که موظف بودند از این خانواده‌ها دیدن کنند به عمل می‌آمد. این پرستاران با آموزش والـدین، افزایش حمایت خانواده و دوستان و مرتبط کردن خانواده با سایر سرویس‌های خدماتی و بهداشتی سـعی در کمک به مادران داشتند. در حقیقت برنامه المیرا بر ایـن فـرض مبتنـی بـود کـه نابسـامانی خـانواده، مشکلات مادر در دوران بارداری و مصرف الکل و مواد مخدر توسط وی و سایر عوامل خطـر مـرتبط بـا خانواده می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به کودک وارد کند. بررسی عملکرد پانزده‌ساله این برنامه، نشـان داد که نرخ بازداشت کودکانی که مادرشان در برنامه المیرا شـرکت داده شـده و در ملاقات‌هـای خـانگی همکاری کرده بودند، نسبت به کودکانی که مادرشان در این برنامه شرکت داده نشده بودند، ۵۴٪ پایین‌تر است. همچنین مادران شرکت داده‌شده در این برنامه‌ها کمتر متهم به کودک‌آزاری و غفلت از کودکشـان شده بودند (کاریو، ۲۰۰۳، ۳۷).

پ- برنامه مبتنی بر خدمات مراقبتی روزانه: نمونهٔ دیگری از برنامه‌ها و اقدامات حمایتی مبتنی بر آموزش والدین، برنامه مراقبت روزانه است. «این برنامه‌ها شامل خدمات مراقبتی برای کودکـانی اسـت؛ کـه والدینشان در برنامه‌های آموزشی شرکت داده شده‌اند. البته لازم به ذکر است که برنامه‌های مراقبـت روزانه از برنامه‌های مهدکودک متمایز است. این برنامـه‌ها بـا ارائـه خـدمات متنـوع و گونـاگون بـه کودکان، موجب تقویت تعاملات اجتماعی آن‌ها شده همچنـین ایشـان را بـه خودشناسـی و تقویـت مهارت‌های اجتماعی تشویق می‌کند. تحلیل و ارزیابی این برنامه‌ها توسط فارینگتون و ولـز در سـال ۲۰۰۳ گویای این مطلب بود که برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین که شامل خدمات مراقبت روزانه نیز می‌شود در کاهش بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی مؤثر است. در حقیقت در میان کودکانی که از این خدمات بهره‌مند شده بودند آمار بزهکاری و انحراف ۷٪ کاهش نشان می‌داد» (شریف، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

ج- خانواده‌درمانی: اعتقاد اصلی و زیر بنایی خانواده‌درمانی این است که مشـکلات بشـر بـیش از اینکـه درون فردی باشند، بین فردی هستند به همین دلیـل بـرای حـل ایـن مشـکلات بایـد از آن دسـته رویکردهای مداخله‌ای بهره گرفت که روابط بین افراد را بهبود می‌بخشند. خـانواده مـؤثرترین عامـل محیطی در رشد و تحول شناختی کودک است و بسیاری از مشکلات کودکان از خانواده آنـان ناشـی می‌شود. (خدایاری فرد و پرند، ۱۳۸۵: ۷۲).

در جرم‌شناسی پیشگیری خانواده‌درمانی یـک رویکـرد چندبعـدی را می‌پـذیرد کـه آمـوزش والـدین، آموزش نوجوان و بهبود پویای خانواده را باهم درمی‌آمیزد. برنامـه‌های خانواده‌درمـانی در اصـل بـه‌دنبال

بهبود ارتباط و تعامل مابین کودکان و والدینشان و همچنین تقویت شیوه و عملکرد والدین برای حل مشکلاتی است که به وجود می‌آیند (صادقی، ۱۳۷۱: ۵).

به‌منظور مقابله با این عوامل برنامه‌هایی با عنوان برنامه‌های خانواده‌مدار طراحی و اجرا شده است. مهم‌ترین این برنامه‌ها؛ برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه‌های مراقبت روزانه، خانواده‌درمانی و برنامه‌هایی با رویکرد جامع است. ارزیابی این برنامه‌ها که در کشورهای مختلف و متنوعی به اجرا درآمده، همگی حاکی از تأثیرات مثبت این برنامه‌ها در پیشگیری و کاهش بزهکاری کودکان و نوجوانان است (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

۹- نظریات جرم شناسی

در جرم‌شناسی، نظریه‌های مختلفی وجود دارند که به نقش خانواده در کنترل جرم و تأثیر خانواده بر رفتارهای نوجوانان می‌پردازند. برخی از این نظریه‌ها عبارتند از:

۹- ۱- نظریه کنترل اجتماعی

این نظریه بر این ایده تأکید دارد که ارتباطات قوی و مثبت در خانواده می‌تواند رفتارهای پرخطر و مجرمانه نوجوانان را کاهش دهد. طبق این نظریه، خانواده‌هایی که ارتباطات قوی و حمایتگر دارند، باعث می‌شوند که نوجوانان تمایلی به رفتارهای جرم‌آمیز نداشته باشند.

نظریه کنترل اجتماعی برای اولین بار توسط تراویس هیرسکی[1]، یک جامعه‌شناس آمریکایی، در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. او در سال ۱۹۶۹ در کتابش به نام "عقل و کنترل اجتماع[2]" این نظریه را بررسی کرد. این نظریه به مفهومی‌از ارتباط بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با رفتارهای جرم‌آمیز توجه دارد. او اعتقاد داشت که افرادی که احساساتی قوی به جامعه‌شان دارند و به گروه‌ها و ارزش‌های اجتماعی مرتبط می‌شوند، احتمالاً کمتر به رفتارهای جرم‌آمیز مشتاق هستند. این نظریه به مدتی مورد توجه قرار گرفت و توسط جامعه‌شناسان و جامعه‌شناسان جوانان در دهه‌های بعدی مورد بررسی و توسعه قرار گرفت نظریه یادگیری اجتماعی: نظریه یادگیری اجتماعی اولین بار توسط آلبرت باندورا در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. این نظریه بر ایده‌ی این است که افراد به طور فعال از طریق مشاهده، تقلید و مدل‌سازی رفتارهای دیگران یاد می‌گیرند. باندورا به این اعتقاد داشت که عواملی همچون تقویت‌ها، تنبیه‌ها، و توانایی‌های فرد نیز در

1. Travis Hirschi
2. Causes of Delinquency

یادگیری نقش دارند. طرفداران این نظریه عموماً جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، و محققان اجتماعی بوده‌اند این نظریه بر این باور است که نوجوانان از طریق مشاهده و یادگیری رفتارهای والدین و اعضای خانواده خود به رفتارهای خاصی تمایل پیدا می‌کنند. اگر خانواده رفتارهای مثبت و قانونی را نشان دهند، نوجوانان نیز به سمت این نوع رفتارها گرایش پیدا می‌کنند (ایزدی، ۱۳۹۵: ۸۸).

۹- ۲- نظریه کنترل خانوادگی

نظریه کنترل خانوادگی[1] توسط تراویس هریشی در دهه ۱۳۹۰ مطرح شد. این نظریه بر این ایده تاکید دارد که ساختار کنترل و نظم درون خانواده، از جمله نظارت و راهنمایی والدین، می‌تواند بر رفتارهای مجرمانه نوجوانان تأثیر گذار باشد. طرفداران این نظریه عموماً جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، و محققان اجتماعی هستند که به دنبال درک عواملی هستند که به رفتارهای جرمی‌و آسیب‌پذیری افراد می‌انجامند این نظریه به کنترل‌های درونی خانواده مانند نظم، نظارت و راهنمایی والدین اشاره دارد. خانواده‌هایی که ساختار کنترل و نظم قوی دارند، می‌توانند رفتارهای مجرمانه نوجوانان را کاهش دهند. (ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۲۰۱)

۹-۳- نظریه پیوندهای اجتماعی

نظریه پیوندهای اجتماعی[2] این نظریه بر ایده‌ی این تأکید دارد که نظامی‌از پیوندهای اجتماعی شامل پیوندهای عاطفی، پیوندهای محترم، پیوندهای تعهدی و پیوندهای دستوری، می‌تواند به کاهش رفتارهای جرمی‌کودکان و نوجوانان کمک کند.

طرفداران این نظریه نیز عموماً جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، و محققان اجتماعی هستند که به دنبال درک عواملی هستند که به رفتارهای جرمی‌و آسیب‌پذیری افراد می‌انجامند (ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

این نظریه بر این اساس استوار است که پیوندهای قوی اجتماعی، از جمله روابط خانوادگی مثبت، می‌تواند رفتارهای ضد اجتماعی و مجرمانه را کاهش دهد (کریمی‌و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۲).

۹- ۴- نظریه خانواده و محیط[3]

این نظریه یک مفهوم گسترده‌تر است که به تأثیر خانواده و محیط اجتماعی بر رفتار فرد اشاره دارد. این نظریه توسط افراد مختلف در زمینه‌های مختلف، از جمله جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، و محققان اجتماعی، به صورت مختلفی مطرح شده است و نمی‌توان آن را به یک نفر یا یک زمان معین نسبت داد.

---

1. Family Control Theory
2. Social Bond Theory
3. Family and Environment Theory

یکی از بنیانگذاران نظریه خانواده و محیط را می‌توان جان بولبی ورنر[1] نام برد. او یک روان‌پزشک و روان‌شناس بریتانیایی بود که به ویژه در زمینه ارتباطات و ارتباطات والدین-کودکان پژوهش کرد و نظریات مهمی‌را در این زمینه ارائه داد

طرفداران این نظریه افرادی هستند که به دنبال درک عوامل مختلفی هستند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند، از جمله خانواده، محیط اجتماعی، فرهنگ، اقتصاد و سایر عوامل محیطی و اجتماعی. به عنوان مثال، افرادی که در زمینه روان‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی خانواده، یا جامعه‌شناسی محیط فعالیت می‌کنند، ممکن است به این نظریه علاقه‌مند باشند (کریمی‌و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱)

این نظریه‌ها نشان می‌دهند که خانواده به عنوان یکی از عوامل اصلی در کنترل جرم نوجوانان نقش مهمی‌ایفا می‌کند و باید در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گیرد.

۹-۵- نظریه خانواده درمانی استراتژیک

یک رویکرد درمانی است که توسط جی هی لی[2] متخصص خانواده و مشاور درمانی، ارائه شده است. این رویکرد بر اساس تئوری‌ها و روش‌های مداخله مبتنی بر استراتژی‌های کوتاه مدت تأکید دارد و برای حل مشکلات خانواده‌ها و بهبود روابط خانواده استفاده می‌شود.

نظریه خانواده درمانی استراتژیک به ایده‌هایی از رویکردهای مختلفی مانند روان‌درمانی خانواده، روان‌درمانی رفتاری و تئوری سیستمیک خانواده تکیه می‌کند. این رویکرد تأکید دارد که مشکلات خانواده اغلب به عنوان نتیجه‌ای از الگوها و روابط نامناسب درون خانواده شکل می‌گیرند و برای حل مشکلات، نیاز است این الگوها و روابط تغییر کنند.

یکی از استراتژی‌های مهم در این رویکرد، درمان کوتاه مدت و تمرکز بر تغییرات سریع است. به جای تمرکز بر تحلیل عمیق مشکلات گذشته، توجه به تغییر الگوها و روابط فعلی خانواده می‌شود. این رویکرد بر ارائه واکنش‌های متفاوت و غیرمنتظره به الگوها و رفتارهای خانواده تأکید می‌کند تا الگوهای قدیمی‌شکسته شده و راه‌های جدیدی برای حل مشکلات ایجاد شود (ایزدی، ۱۳۹۵: ۲۲).

به طور کلی، نظریه خانواده درمانی استراتژیک تلاش می‌کند با بهره‌گیری از استراتژی‌های مداخله کوتاه مدت، الگوها و روابط نامطلوب درون خانواده را تغییر داده و بهبود روابط خانواده را ایجاد کند. این

---

1. John Bowlby
2. Jay Haley

رویکرد معتقد است که تغییرات کوچک در روابط خانواده می‌تواند به تغییرات قابل توجهی در سیستم خانواده منجر شود.

جی هی لی، در نظریه خانواده درمانی استراتژیک، برخی از خصوصیات و ویژگی‌هایی را برای خانواده‌ها مطرح کرده است. در زیر، به برخی از این خصوصیات اشاره می‌کنم:

۱- استراتژی‌گرایی: یکی از خصوصیات اصلی خانواده درمانی استراتژیک، تأکید بر استراتژی‌ها و روش‌های مداخله کوتاه مدت است. به جای تمرکز بر تحلیل عمیق مشکلات گذشته، نظریه استراتژیک بر ارائه تغییرات سریع و موثر در الگوها و روابط فعلی خانواده تأکید می‌کند.

۲- تمرکز بر روابط و الگوها: مشکلات خانواده ناشی از الگوها و روابط نامناسب داخلی است. درمانگر در این رویکرد تلاش می‌کند تا الگوها و روابط خانواده را تغییر داده و الگوهای جدیدی برای حل مشکلات ایجاد کند.

۳- تغییر الگوهای مقابله: به تغییر الگوهای مقابله خانواده توجه می‌کند. او معتقد است که تغییر الگوهای نامناسب مقابله با مشکلات و تغییر رهجویی خانواده می‌تواند بهبود وضعیت خانواده را به همراه داشته باشد.

۴- تغییر در دینامیک قدرت: در خانواده‌هایی که مشکلات دارند، دینامیک قدرت و نوع برقراری روابط قدرتمند است. جی هی لی به تغییر در این دینامیک قدرت توجه می‌کند و سعی می‌کند تا تغییراتی در توزیع قدرت و نقش‌ها در خانواده ایجاد کند.

۵- مداخله‌های غیرمنتظره: یکی از ویژگی‌های خانواده درمانی استراتژیک، استفاده از مداخله‌های غیرمنتظره است. به این معنی که درمانگر با واکنش‌هایی غیرمنتظره و متفاوت نسبت به رفتارها و الگوهای خانواده، تغییراتی در روابط آنها ایجاد می‌کند.

به نظر وی، خانواده درمانگر در رویکرد خانواده درمانی استراتژیک نقش بسیار مهمی‌دارد. او باور دارد که خانواده باید به عنوان یک سیستم تغییری دیده شود و هر اعضای خانواده نقش و مسؤولیت خود را در ایجاد تغییر در دینامیک خانواده داشته باشند. در زیر به برخی از نقش‌های خانواده درمانگر در رویکرد استراتژیک اشاره می‌کنم:

همکاری: خانواده درمانگر نقش همکاری با خانواده را بازی می‌کند. او تلاش می‌کند تا با خانواده همراه شود و روابط مثبتی را با آنها برقرار کند. این همکاری برای ایجاد تغییر در الگوها، روابط و رهبری خانواده ضروری است.

بررسی سیستم خانواده: درمانگر استراتژیک بـه بررسـی سیسـتم خـانواده و روابـط داخلـی آن توجـه می‌کند. او سعی می‌کند به روابط فعلی بین اعضای خـانواده و الگوهـای تعامـل آنهـا پرداختـه و مشکلات را از این منظر تحلیل کند. (جی، هی، لی، ۱۴۰۱: ۳۱۵)

تشویق به تغییر: خانواده درمانگر درمانگر استراتژیک نقش تشویق به تغییر را بازی می‌کنـد. او سـعی می‌کند اعضای خانواده را به تغییر الگوهای نامناسب، روابط مشکل‌ساز و رهجویی‌هـای غیرمفیـد ترغیب کند.

تغییر در نقش‌ها و رهبری: درمانگر استراتژیک تلاش می‌کند تا تغییراتی در نقش‌ها و رهبری خانواده ایجاد کند. او ممکن است سعی کند اعضای خانواده را در نقش‌های مختلف و متفاوتی قرار دهـد تا توزیع قدرت و رهبری در خانواده تغییر کند.

ارائه مداخله‌های غیرمنتظره: خانواده درمانگر ممکن اسـت از مداخلـه‌های غیرمنتظـره و متفـاوت در روابط و الگوهای خانواده استفاده کند. این مداخله‌ها معمولاً به منظور تغییـر دیـدگاه و تحـول در روابط خانواده ارائه می‌شوند.

به طور کلی، خانواده درمانگر در رویکرد خانواده درمـانی اسـتراتژیک نقـش فعـالی دارد و همکـاری بـا خانواده، تشویق به تغییر، تحلیل سیستم خانواده و رهبری بـه عنـوان برخـی از نقش‌هـای مهـم آن مطـرح می‌شوند. تعامل مؤثر و همکاری با خانواده، درک عمیقتری از دینامیک خانواده به درمانگر می‌دهـد و باعـث می‌شود تا راهکارهایی ارائه دهد که در بهبود روابط و الگوهای خانواده مؤثر باشد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۲۷).

۹- ۶- نظریه کنترل اجتماعی هیرشی[1]

این نظریه، هم کنترل درونی و هم کنترل بیرونی را مورد توجه قرار میدهد (دیویس و ستاز، ۱۹۹۰، ۴۲) هیرشی به ریشهیابی وقوع همنوایی در جامعه میپردازد. او میگوید هرچه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان به جامعه، مدرسـه و خـانواده علاقـه بیشـتری داشـته و درگیـر فعالیتهای مقبول اجتماعی میشوند و در نتیجه، فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجـار خواهنـد داشت (رئیسی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). هیرشی با الهام از دورکـیم، معتقـد اسـت کـه رفتـار انحرافـی نتیجـه ضـعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است. در نظریه هیرشی، چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران، عادی دیده شده است: دلبستگی، سرسپردگی (تعهد و احساسات دینی)، درگیر بودن و باور داشـتن (گسـن، ۱۳۷۰:

1. Hirshi

۱۶۴-۱۶۳). بر اساس نظریه کنترل اجتماعی میتوان به متغیرهایی مانند میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی، دینداری جوانان، ساخت خانواده و نظارت والدین توجه کرد و از آنها در تبیین آسیبهای اجتماعی و جرم استفاده کرد. نظریه وبر نیز اعلام میدارد فرایند کنترل اجتماعی غیررسمی‌هرچه بیشتر تضعیف شود، راه برای کجروی و بینظمی‌افراد هموارتر میشود. بر اساس نظریه‌های فرایند اجتماعی، با تقویت روابط موجود بین نوجوانان و نهادهای عمده مسئول جامعه‌پذیری آنان، مانند خانواده، مدرسه و رسانه میتوان از بزهکاری نوجوان پیشگیری کرد (سلیمی‌و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱)

۱۰- جرم شناسی اسلامی

پیشگیری از وقوع جرم تنها مختص افراد عادی و قانون گذار نبوده بلکه ادیان الهی و برگزیدگان خداوند نیز بهاین مسله توجه کامل داشتند . دین مبین اسلام، به پیشگیری، بیش از اصلاح تاکید دارد، اخلاق و فرهنگ عظیم دینی، به واقع، پشتوانه غنی و مطمئنی است که جامعه را از بسیاری از امراض و انحرافات فکری و علمی‌مصون می‌دارد. گاه دین اسلام به جرم و بزه نگاهی مترقی و انسان محور است و در تمامی‌فروض آن هم جنبه‌های فردی و هم جمعی مورد امعان نظر شارع مقدس قرار گرفته است؛ به طوری که به جرات می‌توان بحث از مکتب جرم شناسی اسلامی‌نمود و شاکله اصلی آن را که بر پایه قرآن و سنت است مورد نقد و بررسی واقع بینانه قرار داد.

دیدگاه جرم‌شناسی اسلامی، همانطور که از نامش پیداست، بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی‌و شریعت اسلامی‌استوار است. در این دیدگاه، کنترل عوامل جرم‌زا از طریق اجرای قوانین و مقررات اسلامی‌انجام می‌شود. این شامل اعمال مجازات‌های اسلامی‌مانند حدود، تعزیرات، و قوانین مربوط به امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

به طور کلی، در دیدگاه جرم‌شناسی اسلامی، جلوگیری از جرم و کنترل عوامل جرم‌زا از طریق تربیت اخلاقی، آموزش اسلامی، اجرای قوانین اسلامی‌و ترویج ارزش‌های اجتماعی مثبت انجام می‌شود. هدف اصلی این دیدگاه، ایجاد جامعه‌ای عادلانه، امن و پایدار است که به تمام افراد آن احترام گذاشته شود و حقوق آنها حفظ شود

دیگاه محمد تقی مصباح یزدی در مورد جرم‌شناسی اسلامی‌بر پایه تفسیر اسلامی‌و اصول شریعت استوار است. او به ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی اسلامی‌به‌منظور کاهش جرم و تشدید امنیت اجتماعی تأکید دارد. در این دیدگاه، پیشگیری از جرم از طریق تربیت اخلاقی و آموزش اسلامی‌اولویت

دارد. مصباح یزدی با تأکید بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، ترویج فضیلت‌ها و پرهیز از منکرات به عنوان راه‌حل‌های اساسی در جرم‌شناسی اسلامی‌معرفی می‌کند. وی با تأکید بر اهمیت تعلیم و تربیت در قالب اصول دینی، به اجرای مناسب قوانین اسلامی‌برای کنترل جرم و تأمین امنیت اجتماعی تأکید دارد. در این راستا، تأمین عدالت اجتماعی و حفظ حقوق همه افراد از دیگر اهداف و تأکیدهای اوست

مصباح یزدی، در کتاب "معیارهای اسلامی‌مجازات"، به بررسی مباحث مرتبط با جرم شناسی اسلامی‌می‌پردازد. در این کتاب، او به برخی آیات قرآنی اشاره می‌کند. در زیر، چند آیه به همراه ترجمه‌ی آنها آورده شده است:

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ[۱]

ترجمه: جزای بدی، فقط بدی است که مثل آن است؛ پس هر کس بخشش دهد و اصلاح کند، پاداش او بر عهده خداست، زیرا خداوند، ستمکاران را دوست ندارد.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَى‌حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ[۲]

ترجمه: هیچ باری گناهی دیگر را بر دوش خود نمی‌کشد. و اگر باری سنگین را به حملها وزنید، هیچ چیز از آن بار بر نیاید، و حتی اگر آن شخص خیلی نزدیک شما باشد. شما تنها کسانی را از معذّب خداوند در آخرت اخطار می‌دهید که از پروردگار خود در غیب می‌ترسند و نماز را اقامه می‌کنند. و هر کس پاکیزگی جان خود را پیروی کند، در واقع برای خود پاکیزگی می‌کند. و پایان همه چیز به سوی خداست (مسرور، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

اسلام، برای تحقق جامعه‌ای سالم، فقط به اجرای مجازات اکتفا نکرده و به عوامل دیگر برای پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با آن هم پرداخته است. برخی از تدابیر پیشگیری از جرم در اسلام عبارت‌اند از: تقویت و تشویق به گرایش به معنویات و تقوا و پرهیز از دنیا محوری، تأکید بر اعتقاد داشتن به اصولی چون توحید و معاد و واقعیت پاسخگویی در محضر خداوند، نکوهش رذایل اخلاقی و تکریم فضائل اخلاقی، تشریع عباداتی چون نماز و روزه، تشریع امر به معروف و نهی از منکر، توصیه به آسان‌گیری ازدواج، تشویق به کار و فعالیت، جلوگیری از روش‌های غیر عادلانه‌ی کسب درآمد و تشویق به کارهایی چون انفاق و قرض الحسنه برای جبران فاصله‌ی طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان، تأکید بر

---

۱. آیه ۳۹ سوره الشوری

۲. آیه ۱۳۹ سوره الشوری

لزوم ایجاد فضای سالم اجتماعی، وضع قوانین تکافل اجتماعی، تحریم مسکرات، منع از حضور در مجالس گناه و بازگذاشتن راه توبه برای مجرمان. (قابظی و رضایی، ۱۴۰۱: ۳۷)

۱۰- ۱- رفتار والدین و تربیت خانوادگی از نظر جرم‌شناسی اسلامی

این امری قطعی و مورد پذیرش مردم و دانشمندان مختلف است که ابتداخانواده یکی از دو راه تبهکاری یا احترام به قانون را به سوی کودک می‌گشاید. گرایش به تقلید در کودکان و نفوذ کانون خانوادگی در این زمینه آن قدر مؤثّر است که والدین بزهکار یا دارای اخلاق فاسد تأثیر جرمزا و مستقیم روی اعمال اطفال میگذارد. در بیشتر موارد نفوذ جرمزایی خانواده اصلی به نحوی غیرمستقیم بر کودک اعمال میشود. از نظر دوگریف رفتارهای بزهکار در برابر جامعه تا حدود زیادی از ویژگیهای محیط خانوادگی او تأثیر می پذیرد و عمل به وظایف تربیتی توسط اعضای خانواده و وجود روابط طبیعی بین آنان و تأمین نیازهای طبیعی باعث جامعهپذیری طفل و تعادل رفتارهای او خواهد شد.

از نظر اسلام، سرپرست خانواده، نسبت به تربیت دینی فرزندان خود مسؤولیت سنگینی دارند. خدای متعال از پیامدهای اخروی این مساله خبر داده به آنان هشدار میدهد. در اسلام تربیت فرزندان یکی از اساسیترین حقوق بر پدر و مادر است. آنها بایستی با توجّه به شرایط و شیوههای مختلف فرزند را به طرف انجام کارهای شایسته سوق دهند و از ارتکاب کارهای ناشایست برحذر دارند. در اسلام به تأثیر غیرمستقیم رفتار والدین بر کودکان در ارتکاب گناه نیز تأکید شده است و به جزئیترین مسائل مانند انتخاب نام نیکو وتأثیر والدین در انتخاب دین و تأثیر شنیدهها و دیدهها در دوران مختلف و نحوهی تربیت او و تأمین شرایط ازدواج توجّه خاصّی داشتند که تا حدّ زیادی مانع وقوع جرم است.

امام سجاد (ع) چنین میفرمایند: «امّا حقّ فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله رو توست.» فرمایش اخیر امام سجاد (ع) در خصوص تقلید از والدین با نظر اندیشمندان بهترین روش تربیتی از نظر اسلام تربیت از طریق رفتار و اعمال درست والدین است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق: ۲۲۹) در خصوص تأثیر تقلید در رفتار هم خوانی کامل دارد. وتأثیر مستقیم و غیر مستقیم والدین در هر دو دیدگاه یکی است .

۱۰- ۲- نقش خانواده در کنترل جرم‌زایی از دیدگاه جرم‌شناسی اسلامی

خانواده به عنوان محیطی محافظ و تربیت‌دهنده، می‌تواند تأثیر زیادی در جلوگیری از جرم‌زایی داشته باشد. برخی از نقاط مهم در این زمینه عبارتند از:

تربیت اخلاقی و دینی: ارائه تربیت اخلاقی و دینی منطبق با اصول اسلامی، به عنوان یکی از مسؤولیت‌های اصلی والدین، می‌تواند از شیوع جرم‌زایی جلوگیری کند. آموزش ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، احترام به حقوق دیگران، و مسؤولیت پذیری، از جمله راهکارهای مهم در این زمینه است.

اهمیت رفتار الگوسازی: والدین به عنوان الگوهای اصلی فرزندان خود، می‌توانند با ارائه رفتارهای صحیح و انطباق با اصول اسلامی، آن‌ها را از ارتکاب جرایم منع کنند.

تقویت روابط خانوادگی: روابط صمیمی‌و سالم بین اعضای خانواده، احساس امنیت و ارامش را افزایش داده و به جلوگیری از جرم‌زایی کمک می‌کند.

برای تقویت کنترل جرم‌زایی در خانواده از دیدگاه اسلامی، می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

ترویج آموزش‌های دینی: برگزاری جلسات آموزشی در مورد ارزش‌ها و اصول اسلامی، می‌تواند از تأثیرگذاری بیشتری بر رفتارهای اعضای خانواده برخوردار باشد.

تقویت ارتباطات خانوادگی: برگزاری فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که به تقویت ارتباطات و اعتماد بین اعضای خانواده کمک کنند، می‌تواند از جرم‌زایی جلوگیری کند.

استفاده از مدل‌های رفتاری مثبت: استفاده از مدل‌های رفتاری مثبت و الگوهایی که با اصول اسلامی سازگار هستند، به تقویت کنترل جرم‌زایی در خانواده کمک می‌کند. (مرادی زاده، ۱۳۹۹: ۴۲)

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش خانواده در کنترل عوامل جرم‌زا و تبیین جایگاه آن در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری انجام شد. بررسی نظریه‌های جرم‌شناسی عرفی، یافته‌های پژوهشی داخلی و خارجی و دیدگاه‌های جرم‌شناسی اسلامی‌نشان داد که خانواده نه‌تنها نخستین بستر جامعه‌پذیری فرد است، بلکه یکی از مؤثرترین و پایدارترین نهادهای کنترل غیررسمی‌در برابر بزهکاری محسوب می‌شود. نتایج این پژوهش به‌روشنی بیانگر آن است که بسیاری از رفتارهای مجرمانه کودکان و نوجوانان، پیش از آن‌که متأثر از نهادهای رسمی‌کنترل اجتماعی باشند، ریشه در ساختار، کارکرد و کیفیت روابط حاکم بر محیط خانواده دارند.

تحلیل عوامل جرم‌زا در خانواده نشان داد که ضعف نظارت والدین، اختلال در روابط عاطفی، تعارضات و خشونت خانوادگی، الگوهای رفتاری نامناسب والدین، فقر عاطفی و حمایتی و بی‌ثباتی

ساختاری خانواده، از مهم‌ترین زمینه‌های بروز بزهکاری محسوب می‌شوند. این عوامل به‌صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه در تعامل با یکدیگر، زمینه تضعیف کنترل‌های غیررسمی‌و افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم را فراهم می‌سازند. از این رو، نمی‌توان بزهکاری را صرفاً نتیجه انتخاب فردی یا فشارهای بیرونی دانست، بلکه باید آن را در بستر روابط خانوادگی و فرآیند جامعه‌پذیری تحلیل کرد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که خانواده واجد نقشی دوگانه در فرآیند بزهکاری است. از یک‌سو، خانواده نابسامان می‌تواند به عاملی جرم‌زا تبدیل شود و از سوی دیگر، خانواده منسجم، حمایتگر و آگاه قادر است به‌عنوان مهم‌ترین مانع در برابر گرایش به رفتارهای مجرمانه عمل کند. این دوگانگی، ضرورت توجه به سیاست‌های پیشگیرانه خانواده‌محور را برجسته می‌سازد. تقویت مهارت‌های والدگری، ارتقای کیفیت ارتباطات خانوادگی، آموزش شیوه‌های حل تعارض و حمایت اجتماعی از خانواده‌های آسیب‌پذیر، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند نقش پیشگیرانه خانواده را تقویت کند.

از منظر نظری، تحلیل چارچوب‌های جرم‌شناختی نشان داد که نظریه کنترل اجتماعی، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه فرصت ارتکاب جرم، هر یک به‌نحوی بر اهمیت خانواده در پیشگیری از بزهکاری تأکید دارند. نظریه کنترل اجتماعی بر نقش پیوندهای عاطفی و تعهدات خانوادگی، نظریه یادگیری اجتماعی بر نقش الگوسازی والدین و نظریه فرصت ارتکاب جرم بر اهمیت نظارت خانوادگی در کاهش فرصت‌های بزهکاری تأکید می‌کند. تلفیق این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری مؤثر از جرم مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد عاطفی، رفتاری و نظارتی خانواده است.

در کنار دیدگاه‌های جرم‌شناسی عرفی، بررسی جرم‌شناسی اسلامی‌نیز نشان داد که این رویکرد، با تأکید بر تربیت اخلاقی، مسئولیت‌پذیری فردی و درونی‌سازی هنجارها، نقش خانواده را در پیشگیری از جرم برجسته می‌سازد. اگرچه مبانی معرفتی جرم‌شناسی اسلامی‌با رویکردهای عرفی متفاوت است، اما در سطح کارکردی، هم‌گرایی قابل توجهی میان این دو دیدگاه مشاهده می‌شود. هر دو رویکرد، خانواده را کانون اصلی پیشگیری اجتماعی از جرم دانسته و بر اهمیت کنترل‌های غیررسمی‌تأکید دارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز صرف بر سیاست‌های کیفری و واکنش‌های پس از وقوع جرم، بدون توجه به نقش خانواده، نمی‌تواند به کاهش پایدار بزهکاری منجر شود. پیشگیری اجتماعی مبتنی بر خانواده، نه‌تنها از نظر اقتصادی و اجتماعی مقرون‌به‌صرفه‌تر است، بلکه آثار بلندمدت‌تری در ارتقای امنیت اجتماعی و کاهش چرخه بازتولید جرم دارد. از این رو، ضروری

است سیاست‌گذاران اجتماعی، نهادهای آموزشی و فرهنگی و نظام‌های حمایتی، خانواده را به‌عنوان محور اصلی برنامه‌های پیشگیری از جرم در نظر گیرند.

در پایان، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که مطالعات آتی با رویکردهای تجربی و میدانی، به بررسی اثربخشی مداخلات خانواده‌محور در کاهش بزهکاری بپردازند و همچنین نقش تحولات نوین اجتماعی، از جمله فضای مجازی و تغییر الگوهای فرزندپروری، در تضعیف یا تقویت کارکردهای پیشگیرانه خانواده را مورد توجه قرار دهند. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به تکمیل چارچوب نظری ارائه‌شده در این مقاله و ارتقای سیاست‌های پیشگیری اجتماعی از جرم کمک کند.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه، (۱۳۹۴)، *نظریه‌های جرم شناسی و بزهکاری*، تهران، ارجمند
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ایزدی، ژوپین، (۱۳۹۵)، *نظریه‌های مطرح در جرم شناسی*، تهران، انتشارات ارباب قلم
- باقری، معصومه، ملتفت، حسین، و رضادوست، کریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر ارتکاب جرم. «دانش انتظامی»، ۱۱(۴ مسلسل ۴۵)، ۵۹-۸۶.
- پرویزی، س. (۱۳۸۰). پیشگیری از جرم خانوادگی برای کودکان و نوجوانان. تهران: سمت.
- ترنر، جاناتان، اچ (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی. (ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جی، هی، لی، (۱۴۰۱). *روان درمانی خانواده*، ترجمه باقر ثنائی، تهران، امیرکبیر
- چلبی، م.، و روزبهانی، ت. (۱۳۸۱). نقش خانواده به عنوان عامل در پیشگیری از جوانان دلقک (با تکیه بر انضباط خانواده). «تحقیقات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی»، ۲(۲۹)، ۱-۱۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن،۰ (۱۴۰۹ ه ق)، *وسایل الشیعه*، قم، انتشارات آل البیت لإحیاء التراث
- خدایاری‌فرد، م.، و پرند، م. (۱۳۸۵). رویکرد درمان خانواده بر پایه افسردگی شناختی-رفتاری در نوجوانان. «تحقیقات روانشناختی»، ۱۰(۱۶)، ۶۲-۸۳.
- دهقان، مختار (۱۳۹۷). نقش پلیس محله محور در پیشگیری از جرم. «فصلنامه علمی- حقوقی قانونیار»، دوره دوم، شماره ششم، تابستان، صص . ۹-۲۸
- رئیسی، جمال (۱۳۸۲). جوانان و ناهنجاریهای رفتاری. «فصلنامه علوم اجتماعی»، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره بیست و یک،

- سلیمی، اکبر؛ باباپور سکه، محمدرضا؛ رضایی، نورمحمد (۱۳۹۳). بررسی نظم و امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر کاشمر. «پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی»، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی ۲۷ (پاییز ۱۳۹۳)، صص ۱۳۴- ۱۱۷ .
- شریف، م. (۱۳۸۸). *آموزش برای رفتار بهتر*. تهران: تیفنگر.
- صادقی، م. (۱۳۷۱). درمان خانواده. «مجله حقوق و اصول حقوقی». ۱۳ (۷۷)، ۱-۷.
- غفوری قراوی، ح. (۱۳۶۱). *محرکات جنایت*. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- قابضی، دنیا، رضایی، محمد، (۱۴۰۱). جرم از منظر جرم شناسی اسلامی، «نهمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی و اسلامی»، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی
- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۹). *گفتارهایی پیرامون اثرات پنهان تربیت آسیب زا*، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- گسن، ریمون (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*. (ترجمه مهدی کینیا)، تهران: انتشارات مترجم.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۰، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، شهرام، بیژنی میرزا، طیبه، حاتمی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد. «تدریس پژوهی»، ۶(۴)، ۲۳۸-۲۵۸.
- مرادی زاده، کیوان، (۱۳۹۹)، *پیشگیری از جرم از دیدگاه جرم شناسی*، تهران، انتشارات قانون یار
- مسرور، فاطمه، فخلعی، محمدتقی، ناصری مقدم، حسین، تبیین جایگاه رفتار ناقض حق کرامت در جرم انگاری، «فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)» صفحه ۲۳۷-۲۶۴

- Cario, R. (2003). *Psychological Intervention Early Socialization to Prevent Criminal Behavior.* Translated by AliHussain Najafi Abrandabadi. Legal Research. 7 (7). 48- 49. [In Persian].
- Davis, N,J & Stasz,C (1990). *Social control of Deviance: A critical perspective*, New York: Mc Grow-Hill
- Shaftoe, H (2002). *Social crime prevention-Interventions to reduce the motivation to offend*: synopsis of presentation at tallinn city council, university of the west of England, Bristol,UK. obtained from: www. uwe. ac. uk.
- Zhan, P. (2004). *Thoughts on Criminal*. Translated by Ali Hussain Najafi Abrandabadi. Tehran: Samt

Controlling Criminogenic Factors in the Family Setting

Abstract

The family, as the first and most fundamental social institution, plays a decisive role in shaping individuals' personalities, values, and behavioral patterns. A substantial body of criminological research indicates that many delinquent behaviors among children and adolescents stem not primarily from formal social control institutions, but from the structure, functioning, and relationships within the family environment. Parental supervision deficiencies, disruptions in emotional bonds, lack of psychological and social support, improper parenting models, and family structural instability are among the factors that can create conditions conducive to criminal behavior.

This article aims to analyze the family's role in controlling criminogenic factors and to elucidate the mechanisms of social prevention of delinquency within this setting. The study employs a descriptive–analytical approach based on documentary and library research. Key criminological theories, including social control theory, social learning theory, and the routine activity theory, are examined alongside domestic and international empirical findings and perspectives from Islamic criminology.

The findings indicate that the family has a dual role in the delinquency process; that is, it can function both as a deterrent and as a facilitator of criminal behavior. Strengthening informal social controls, enhancing parenting skills, providing moral education, and implementing family-centered interventions are among the most important strategies for reducing delinquency at the family level. The results underscore the necessity for social policymakers and educational institutions to focus on the family as the central axis of social crime prevention.

Keywords: Family, Social prevention, Delinquency, Criminogenic factors, Social control.